



یادداشت

مهدی پورقاسبی

ضعف بنگاه‌های کوچک در فن آوری روز

مهم‌ترین چالشی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در داخل کشور دارند، ضعف آن‌ها در رقابت‌پذیری است. به عبارتی ضعف بنگاه‌های کوچک در دستیابی به فن آوری‌های روز و موانعی که به لحاظ سیاسی مانع انتقال این فن آوری به کشور شده، باعث جا ماندن این صنایع از رشدی هم‌پا با محصولات خارجی شده است. نمود این توضیح را می‌توان در تعطیلی صنایع مبتنی بر امکانات سنتی یافت. حتی بعضا کشورهای همسایه مثل افغانستان و عراق نیز حاضر به پذیرش این محصولات در بازار داخلی خود نیستند. با بررسی اجمالی می‌توان دریافت عمده صنایعی که از رده خارج شده و تعطیل اند صنایعی هستند که توان نوآوری و هم‌گامی با دانش روز را نداشته‌اند. بنابراین اگر ضعف‌های مدیریتی بنگاه، همچنین برنامه‌ریزی‌های غلط را به مشکلات اقتصادی کلان کشور اضافه کنیم، چربی را کود صنایع کوچک قابل درک‌تر خواهد بود. متأسفانه طی این سال‌ها سوبسیدهایی که باید به جیب تولیدکننده می‌رفت به‌دلیل ضعف‌های ساختاری و سیاست‌گذاری‌های نادرست، نصیب واردکنندگان و ارگان‌هایی شده که نقشی مستقیم در تولید کشور ایفا نمی‌کنند و همین امر روی تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و برنامه‌های آن‌ها تأثیرگذار بوده است. چگونه می‌توان از صنعتی که از کم‌ترین حقوق خود، یعنی شرکت مستمر در نمایشگاه‌های خارجی و ارتباط با دنیای خارج محروم است یا صنایعی که مدام با مشکلات حاصل از تورم و افزایش قیمت تمام‌شده دست‌وپنجه نرم می‌کنند، انتظار توسعه داشت. طبعاً تجهیز صنایع به دانش روز به آن‌ها در غلبه به مسائل کمک می‌کند، اما موضوع این است که همه کسانی که یک بنگاه راه‌اندازی می‌کنند از تجربه و دانش کافی بهره‌مند نیستند ضمن آنکه از نیروی انسانی مجرب بهره نمی‌گیرند. هر صنعتی هرچند مورد نیاز باشد تا مادامی که از خلاقیت بی‌بهره است جایی برای عرضه پیدانی کند و همین مشکل در رابطه با صنایع کوچک که بخش زیادی از بنگاه‌ها را شامل می‌شوند، صدق می‌کند. سخت‌گیری‌هایی که شبکه بانکی در پرداخت تسهیلات به‌ویژه در خصوص دریافت وثایق به دریافت‌کنندگان می‌کند نیز باعث گدیزی در تأمین مالی صنایع کوچک و صنایع تولیدی شده و همین مسئله سرعت گردش سرمایه در بنگاه‌های کوچک را پایین آورده است. این در حالی است که صاحبان صنایع کوچک علی‌رغم نرخ‌های بالا علاقه‌مند به دریافت تسهیلات هستند. از طرفی خود بانک‌ها نیز به دلیل سابقه بدی که مشتریان بدحساب آن‌ها دارند، نسبت به پرداخت به‌موقع تسهیلات به بنگاه‌ها کوتاهی می‌کنند.

رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران

ادامه از صفحه ۴

نیاز به واقع‌بینی بیشتر...

تأمین مالی و آنگاه باقیمانده منابع آن را به مراکز ملکی پرداخت شود این موضوع سیاست‌های درمانی تأمین اجتماعی را به شدت محدود خواهد کرد و از کمیت و کیفیت خدمات مراکز ملکی خواهد کاست. بدین ترتیب کارگران مهم‌ترین مأمَر درمانی خود را از دست خواهند داد. بنابراین اگر امروز تعداد معترضان معدود است به این دلیل است که هنوز اثرات انتقال منابع درمان، بر بخش درمان تأمین اجتماعی آشکار نشده است و گرنه وضعیت آتی به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. آن‌چنان که دیگر نتوان وجود اعتراض جمعی را در این زمینه انکار کرد. هرچند امیدواریم شکایات به دیوان عدالت اداری پیش از آنکه مراکز ملکی تأمین اجتماعی به زمین بنشینند، پاسخ مثبتی دریافت کند یا اینکه متولیان حوزه سلامت و حوزه‌های تقنینی با ابتکار عمل و گفت‌وگو، تعامل با مسئولان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی و شرکای اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، تدابیر مناسبی برای تغییر مناسبات و شرایط یاد شده اتخاذ کنند.

پژوهشگر حوزه رفاه و سیاست‌گذاری اجتماعی

انتقاد از سلیقه‌گرایی بانک‌ها در اعطای تسهیلات اشتغال‌زایی

عیسی منصوری، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با انتقاد از سلیقه‌گرایی در اعطای تسهیلات اشتغال‌زایی گفت: «وحدت‌رویه باید در نظام بانکی در زمینه پرداخت تسهیلات رعایت شود و بانک‌ها طی زمانی کمتر از ۲۰ روز این تسهیلات را به متقاضیان پرداخت کنند نه اینکه دستگاه‌ها مردم را دنبال مجوز بفرستند و بانک‌ها هم آن‌ها را معطل کنند.» وی افزود: «اگر کسی نمی‌تواند ۲۰ درصد سهم آورده را تأمین کند، قاعدتاً نباید به او تسهیلات پرداخت شود، چون نمی‌تواند کار اقتصادی انجام دهد.» به گفته منصوری، نظام بانکی برای اشتغال خرد مناسب نیست و اولویت وزارت کار، بهبود سرمایه در گردش واحدهای موجود است.



معیشت‌وزندگی

«آتی‌ه‌نو» مشکلات و موانع توسعه صنایع کوچک را بررسی می‌کند

سوله‌های بدون تولید!



دخالت غیر کارشناسی و غیر ضروری دولت‌های مختلف در موضوع تأسیس و راه‌اندازی صنایع کوچک به بحران افزایش صنایع بدون بازده من زده‌است.

بیراهه رفتن تسهیلات و ساخت سوله‌های خالی همان مدیری است که به فرد سرمایه‌گذار مجوزهای بی‌مورد داده یا در راهنمایی وی اطلاعات غلط داده است. واقعیت این است که برخلاف برخی خوش‌بینی‌ها از سوی همین مسئولان، کمتر جایی را می‌توان یافت که مجوزی بدون رانت صادر شده باشد و این مسئله‌ای است که هیچ پاسخ‌گویی برای آن وجود ندارد.»

شکرخدايي با بيان اين مثال كه در اصفهان ۲۰۰ مجوز ساخت كارخانه ماکارونی صادر شده در حالی كه هیچ‌كسی نسبت به عواقب اين طرح‌های ناکارآمد پاسخ‌گو نیست، گفت: «اينها نتيجه تکرار چرخه معيوب توليد و صنعتی‌سازی در کشور است، اما حتی يکی از همين مسئولان بابت چنين خطاهایی جریمه هم نشده است. کسانی كه موقع افتتاح اين واحدها قیچی، به دست می‌گیرند و روبان پاره می‌کنند وقتی اين طرح‌ها نیمه‌تعطیل يا راکد می‌شوند، از توضیح و پاسخ‌گویی طفره می‌روند.»

■ **توسعه اصولی صنایع کوچک با حمایت از کارآفرین‌ها**

وی تصریح کرد: «اخیراً بنا به تصمیم دولت و مجلس، رقم‌های سنگینی برای اشتغال‌زایی و توسعه صنایع کوچک

در نتیجه هزاران سوله خالی در همین شهرک‌ها وجود دارد بدون آنکه کمترین بازخواستی بابت راه‌اندازی آن‌ها یا اعطای مجوز به آن از سازمان‌های دولتی یا مدیران دولتی شود. این امر نشان می‌دهد در واقع آنچه برای فرد وام گیرنده و به اصطلاح کارآفرین جذاب بوده، وام و تسهیلات بانکی است نه تأسیس بنگاه به‌طور واقعی.»

وی تأکید کرد: «ناکارآمدی شبکه بانکی در نظام اعتبارسنجی نیز به گسترش بی‌رویه این واحدها - و در واقع سوله‌های بدون تولید واقعی - و نمونه‌های مشابه در سراسر کشور دامن زده است. البته افراد زیادی از گیرندگان این تسهیلات، ارقام مربوطه را صرف تأسیس بنگاه کرده‌اند، اما حجم وسیعی از واحدهای نیمه‌تعطیل فاقد این ویژگی بوده‌اند.»

■ **پاسخ‌گو نبودن مدیران در برابر صدور مجوزهای بی‌رویه**

دبیر جشنواره ملی بهره‌وری ادامه داد: «به نظر می‌رسد اگر قرار باشد کسی برای مجوزهای بی‌رویه صنایع کوچک، مورد بازخواست قرار گیرد یا بابت موقوفات بانکی کسی بازخواست شود، مسئول دولتی است که بدون اطلاع و صرفاً برای افزایش آمارها در دوره مدیریت خود، مجوز صادر می‌کند نه فرد سرمایه‌گذار یا بنگاهدار. در واقع عامل اصلی

فرشید شکر خدایی:

اولین و مهم ترین

راهکار خروج صنایع

کوچک از رکود این

است که در میان این

صنایع به برندهای

موفق داخلی که زنده

مانده‌اند، بهای بیشتری

بدهیم، یعنی بهتر است

به جای واسطه گری

برای اعطای تسهیلات

به افراد سودجو، به

کسب و کارهایی کمک

شود که نخبه‌های

کسب و کار هستند.

در روستاها در نظر گرفته شده است تا بلکه به توسعه روستایی منجر شود، اما مگر به صرف اعطای این مبالغ سنگین که در پس آن، افراد سودجوی بسیاری حضور دارند، اشتغال ایجاد خواهد شد؟ در هیچ جای دنیا کسب‌وکار به این شکل ایجاد نشده که یک کارخانه بدون در نظر گرفتن نیاز بازار و خصوصاً رقابتی بودن تولید آن، راه‌اندازی شود و مردم نیز خریدار محصول آن باشند، بلکه تقاضا و نیاز بازار آن هم در ابعاد جهانی است که باعث راه‌اندازی یک صنعت یا بنگاه می‌شود. اگر این رقم‌های هنگفت در توسعه صنعتی که بازدهی دارند و تفکر مدیریتی درستی از سوی بخش خصوصی واقعی، آن‌ها را هدایت می‌کند، صرف شود یا از آن در جهت ارتقای بهره‌وری كه حلقه مفقوده تولید است، بهره گرفته شود ما شاهد افزایش تعداد سوله‌های خالی که در حال حاضر در هر شهرک صنعتی بالای ۷۰ درصد واحدها را در برمی‌گیرد، نخواهیم بود.»

شکرخدايي در مورد راهکارهای خروج صنایع کوچک از رکود فعلی، گفت: «اولین و مهم‌ترین راهکار این است که در میان این صنایع به برندهای موفق داخلی که علی‌رغم همه هججه‌ها سر پا ایستاده و زنده مانده‌اند، بهای بیشتری بدهیم، یعنی بهتر است به جای واسطه‌گری برای اعطای تسهیلات به افراد سودجو، به کسب‌وکارهایی کمک شود که آبروی کشور بوده و نخبه‌های کسب‌وکار هستند. این برندها در میان صنایع کوچک وجود دارند و همان کسانی هستند که سرمایه‌های ۱۰ میلیاردی را تبدیل به ۱۰۰ میلیارد کرده‌اند و بعد از ۴۰ سال با وجود همه تلاطمات بازار، سر پا ایستاده‌اند. معتقدم حمایت از نخبه‌های موفق کنونی کسب‌وکار بر حمایت از کسانی که شاید زمانی نخبه شوند، ارجحیت دارد، چرا که توسعه اصولی صنایع کوچک با حمایت از کارآفرین‌ها شروع می‌شود.»

■ **تسهیل صدور مجوز در راستای رفع موانع تولید بوده است**

دکتر فرشاد مقیمی، معاون امور شهرک‌های صنعتی سازمان صنایع کوچک نیز معتقد است، مسئولیت این سازمان به‌عنوان بازوی توسعه‌ای دولت در صنایع کوچک و متوسط، تلاش در جهت رشد کیفی تولیدات این شهرک‌ها و رقابتی شدن محصولات و افزایش بهره‌وری واحدهای فعال صنعتی است و به توسعه کمی اکتفا نمی‌شود.

وی در پاسخ به انتقادات کارشناسان در مورد صدور مجوزهای بی‌رویه به واحدهای کم‌بازده به «آتی‌ه‌نو» می‌گوید: «فرایند صدور مجوز برای تأسیس واحدهای تولیدی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی طی سال‌های گذشته بارها مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته، اما سیاست‌گذاری کلی در این حوزه، تسهیل صدور مجوز و رفع موانع و تسهیل فرایند راه‌اندازی بوده است. این راهبرد به همراه مشوق‌هایی که در این مسیر پیش‌بینی شده، به توسعه کمی و کیفی صنایع کوچک و ورود بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به حوزه تولید منتهی شده است. قطعاً با آسیب‌شناسی مسیری که تاکنون طی شده، حساسیت‌ها و سخت‌گیری‌ها در صدور مجوز لحاظ می‌شود تا منابع به نحو بهینه به واحدهای دارای مدیریت علمی، استراتژی اصولی تولید، محصول رقابتی و دارای بازار داخلی و صادراتی تخصیص پیدا کند.»

جای خالی حمایت‌های اصولی از بنگاه‌های کوچک

با اتفاقات مختلف و شرایط متفاوت، برنامه‌های حمایتی متفاوتی طراحی می‌شود و شکل حمایت دولت از این صنایع، متنوع خواهد شد. در کشورهایی توسعه‌یافته، ابزارهای حمایتی کار بردی برای تولیدکننده‌ها در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، موانع حضور این بنگاه‌ها برای شرکت در نمایشگاه خارجی برداشته می‌شود یا سیاست‌های دولت، هم‌سو با منافع بنگاه، تدوین می‌شود. دولت باید نگران تعطیلی صنایع در شرایط بحران ارزی و فشارهای ناشی از نوسانات آن باشد و گرنه مشکلات ناشی از کسری بودجه در پی افت ذخایر ارزی، بدتر از چیزی که اینک هست در اقتصاد کشور خود را نشان می‌دهد و پیامد آن، تعطیلی هرچه بیشتر کسب‌وکارهاست.

کارشناس اقتصادی

نه واحدهای صنعتی تازه تأسیس یا آن‌ها که در مرحله پیش از راه‌اندازی هستند، بنابراین با نظر به اینکه بنگاه به چه دلیل تعطیل شده و نقش عوامل بیرونی در تعطیلی آن، چه بوده، تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌ویژه در شرایط بحران ارزی لازم است و در این راستا باید بنگاه‌های صادرات‌محور در اولویت قرار بگیرند، چرا که درآمد‌های ارزی این بنگاه به واسطه صادرات، نقش مهمی در کاهش مشکلات ناشی از کمبود ارز و نوسانات آن خواهد داشت. جدا از امکانات زیرساختی مثل زمین‌هایی که معمولاً در اختیار این واحدها در آغاز تأسیس گذاشته می‌شود - که البته گره چندانی از مشکلات آن‌ها نمی‌گشاید - معافیت‌های مالیاتی دولت نیز می‌تواند به تأمین نقدینگی بنگاه‌های کوچک کمک کند، اما به شرطی که این معافیت‌ها کافی و به‌موقع



یادداشت

محمد حسین رشخوردار

از آنجا که مهم‌ترین چالش و دغدغه صنایع کوچک، تأمین سرمایه، خصوصاً سرمایه در گردش است، نوسانات ارزی در تشدید این چالش، نقش بسیار جدی ایفا می‌کند. به همین دلیل، در این شرایط که سهم بزرگی از تولید و فعالیت‌های اقتصادی به این بنگاه‌ها وابسته است، منطقی آن است که دولت با تمهیداتی چند، در صدد حل مشکل تأمین سرمایه در گردش این بنگاه‌ها برآید که یک روش آن، دادن تسهیلات با نرخ ارزان به بنگاه‌های کوچک و متوسط است. این تسهیلات‌دهی برای بنگاه‌هایی است که قبلاً فعال بوده و عمده دلیل تعطیلی آن‌ها، بحث تأمین سرمایه بوده